

عوامل و پیامد های مهاجرت

بشیر احمد "دژم"



تعریف مهاجرت: مهاجرت یکی از پدیده های اجتماعی است که همگام با شکل گیری جوامع بشری در شکل ها و قالب های مختلف قابل شناسایی و بازیابی است. بشر اولیه برای یافتن غذا و سر پناه مناسب و بعد ها زمین مناسب برای کشاورزی و نگهداری حیوانات اهلی مهاجرت را آغاز نمود و امروز نیز با وجود شکل گیری کشورها مهاجرت انسان ادامه دارد. حد اقل در دو قرن گذشته عواملی چون جنگ، فقر و بیکاری از مهم ترین عوامل مهاجرت های گروهی و فردی بوده است مهم ترین شاهد این مدعا مهاجرت بخش قابل توجهی از ساکنان افغانستان به کشورهای همسایه و اروپا است.

مهاجرت می تواند تاثیرات مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی و روانی برای مهاجر داشته باشد، دستیابی به نیروی کار با کمترین توقع اجتماعی، اهمیت یافتن کشور مهاجر پذیر در مجامع بین المللی می تواند از آثار مثبت مهاجرت باشد در کنار آن رشد اقتصادی، فرهنگی و افزایش سطح آگاهی با دیدن فضای جدید و دستیابی به امنیت و غیره میتواند از جمله آثار مثبت مهاجرت برای مهاجران باشد.

مکان دومی برای زندگی شخص مهاجر و زمان زندگی کردن در محل دومی می تواند دو خصیصه کلی برای مهاجرت باشد.

انواع مهاجرت: به صورت کلی امروزه می توان مهاجرت را در دو عنوان کلی بر اساس مرز های کشور تقسیم نمایم که عبارت از مهاجرت های داخلی و مهاجرت های خارجی است. کلیه حرکات جمعیتی که در درون مرز های یک کشور را مهاجرت داخلی می گویند که ممکن است از یک شهر به شهر دیگر، یا از یک روستا به شهر و یا روستای دیگر نقل مکان بکنند. مهاجرت های خارجی به بیجا شدن مردم از کشوری به کشور دیگر اطلاق می شود و این مهاجرین را آواره گان جنگی و پناهندگان سیاسی تشکیل می دهد.

نظریه پردازان جامعه شناسی در کنار مهاجرت های داخلی و خارجی مهاجرت ها را به انواع؛ ارادی، اجباری، دسته جمعی، فردی، قانونی، و غیر قانونی تقسیم نموده اند.

نظریات مطرح شده در مورد عوامل مهاجرت ها:

طرفداران نظریه کارکردگرایان، معتقدند که تمام نیاز اجتماعی در چارچوب نظام های اجتماعی تعیین می شوند، زمانیکه نیازمندی های فرد در یک نظام برآورده نگردد، باعث مهاجرت این فرد می گردد.

در نظریه جاذبه و دافعه مهاجرت ها آمده است که برخی عوامل در داخل کشور ها وجود دارد که باعث دفع فرد از یک جامعه می گردد و در کنار آن عواملی دیگر در کشور های دومی وجود دارد که توجه فرد مهاجر را به خود جلب نموده و باعث مهاجرت می گردد.

طبق نظریه هزینه و فایده، تصمیم گیری برای مهاجرت نوعی تصمیم به سرمایه گذاری است که در آن شخص مهاجر هزینه و فایده مهاجرت را در نظر می گیرد. بدین ترتیب مهاجرت موقعی انجام می شود که فایده آن نسبت به هزینه اش افزون باشد، درین نظریه، شخص مهاجر قبل از مهاجرت هزینه و سود اجتماعی و اقتصادی را که در اثر مهاجرت به دست می آورد یا از دست می دهد، مقایسه نموده سپس تصمیم به مهاجرت می گیرد.

این فایده و هزینه‌ها شامل عناصر مادی و غیر مادی هستند. هزینه‌های مادی شامل هزینه‌های سفر، درهم ریختن اموال منزل که ارزش جا به جایی ندارند، تحمل یک دوران بیکاری و بی‌مزدی و غیره است. هزینه‌های غیر مادی شامل دور ماندن از خانواده، تحمل رنج و سختی سفر و تحمل شرایط محیطی مقصد و پذیرش عادات جدید می‌باشد.

فواید مادی که یک مهاجر در کشور دومی بدست می‌آورد، پیدا نمودن کسب و کار با در آمد بالا و ارتقای شغلی است و فواید معنوی عبارت از برخورداری از هر گونه امکانات رفاهی و تفریحی و آسایش در کشور مقصد است که این امکانات در محل زندگی قبلی نبوده است.

افزایش مهاجرت جوانان به کشور های اروپایی را می‌توان یک نمونه مناسب برای این نظریه در نظر گرفت. نبود چشم انداز روشن در زمینه بهبود وضعیت در افغانستان و همچنان نبود دورنمای بهتر برای مهاجرت به کشور های همسایه، مهاجرت‌ها را افزایش داده است. و یکی عوامل مهاجرت های است که دارای بُعد مسافت فراوان بوده و معمولاً به سر زمین های صورت می‌گیرد که دارای کمترین ارتباطات فرهنگی و اجتماعی با کشور مبدأ می‌باشند. برخی مهاجران افغانی در اروپا کسانی اند که می‌کوشند به زندگی بهتر دست یابند اما بسیاری اوقات مجبور می‌شوند این مسیر را به قیمت مرگ دنبال کنند.

در دیدگاه تضاد، جامعه عرصه تضاد و مبارزات طبقاتی است، و متغیر های مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و دگرگونی های اساسی مورد بحث قرار می‌گیرند. در نظریات وابستگی مهاجرت امر اجباری است که بر اساس عدم توسعه یک محیط نسبت به محیط دیگر و وابستگی غیر سرمایه داری به بخش سرمایه داری به وجود می‌آید و این گونه مهاجرت ها یک امر کاملاً استثماراری بوده و ادامه آن باعث گسترش هر چه بیشتر توسعه نیافتگی می‌گردد.

پیامد مهاجرت ها: بر اساس آنچه گفته شد و علل مهاجرت افغانها را در چند دهه اخیر مورد شناسایی قرار داد، افغانستان از جمله کشور های است که خشونت و جنگ جزء جدایی نا پذیر از عناصر تشکیل دهنده این کشور تبدیل شده است و به همین اساس مهاجرت مفهومی است که با واژه افغانستان اجین گشته است.

متأسفانه مهاجرت های طولانی مدت، سبب از بین رفتن فرصت ها گردیده و اساس این موضوع خود به خود مانع از رشد و توسعه افغانستان در بخشهای مختلف گردیده است. به عنوان مثال نبود زیر ساخت های اقتصادی و نبود اشتغال، سبب مهاجرت طبیعی وسیع از جوانان به کشور های مختلف به خصوص به کشور های همسایه گردیده است.

عامل دیگر که نقش جدی در افزایش مهاجرت در میان افغانها دارد، نبود فضای صلح آمیز و مسالمت جویانه است، فضای که در آن هر کس به راحتی فرد مقابل خود را تحمل و آرا و اندیشه های او را مورد پذیرش قرار دهد. بنابر این فضای آرام و توأم با امنیت و همچنین رواج فرهنگ گفتگو و مبادله در روند عقلانی، علمی، انتقادی، نو آورانه و آزاد تأثیری مستقیم بر مهاجرت افغانها داشته است. به باور بسیاری از کارشناسان، علاوه بر عوامل فوق نبود زمینه های کاری یا رسیدن به کسب در آمد بیشتر و وضعیت اقتصادی نیز بخشی از عوامل مهاجرت در میان افغانها بوده است.

حجم گسترده افغان ها به خارج از افغانستان موضوعی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. برای بررسی آسیب ها و نتایج مثبت مهاجرت، باید اندیشمندان و متفکرین افغانی نهاد های مربوطه را یاری رسانده و از سوی دیگر با شناخت آسیب مهاجرت چاره اساسی در جهت حل این آسیب ها در نظر گرفته شود. لازم است تا بررسی ها و تحقیقات گسترده ای در این زمینه صورت گیرد، تا کشور از آسیب های جدی مهاجرت مصئون مانده و از آثار مثبت آن به نحوی احسن استفاده نماید.